

منشور زنان براد

پیش نویس

برای نظرخواهی از گروه‌های اجتماعی زنان

این حق زنان ایران است که پس از صد سال مبارزه
علیه تبعیض و نابرابری، اصولی‌ترین خواسته‌های خود را
در قالب سندی مدون کنند که در آن صداها و
خواسته‌های متفاوت و متنوع قشرهای گوناگون زنان
اعلام می‌شود.

منشور زنان ایرانی برآیند خواسته‌های زنان
در شرایط کنونی است که می‌تواند مسیر
نسل‌های آینده را به سوی برابری و آزادی هموار کند.

منشور زنان ایرانی خطاب به نهادهای حکومتی
و جامعه مدنی است.

اردیبهشت ۱۳۸۸

این سند برای نظرخواهی از گروه‌های اجتماعی تهیه شده و رایگان است

منشور زنان ایران

پیش‌نویس

برای نظرخواهی از گروه‌های اجتماعی زنان

به‌کوشش

گروه هماهنگی منشور زنان

مقدمه

زنان ایران برای احقاق حقوق خویش راهی طولانی پیموده‌اند و همواره رویای تغییر وضع موجود را در سر داشته‌اند. ابتکارات فردی و تلاش‌های جمعی زنان پیشرو طی سال‌های اخیر از اوج‌گیری اراده جمعی آنان برای تغییر وضع موجود حکایت دارد. این حق زنان است که پس از گذشت صد سال مبارزه علیه تبعیض و نابرابری، اصولی‌ترین خواسته‌های خود را در قالب سندی مدون کنند که در آن صداها و خواسته‌های متفاوت و متنوع قشرهای گوناگون زنان به گوش برسد. این سند محصول عقل جمعی آنان برای بنای آینده‌ای برابر و بدون تبعیض است. منشور زنان برآیند خواسته‌های اصلی زنان در شرایط کنونی است که می‌تواند مسیر نسل‌های آینده را نیز به سوی برابری و آزادی هموار سازد. تحقق منشور زنان می‌تواند دستیابی به جامعه‌ای آزاد را با وصول به برابری و رفع تبعیض ممکن کند.

در ۱۹ دی ماه ۱۳۸۵ شمسی، جمعی از زنان حقوقدان، محقق، نویسنده، دانشگاهی، معلم، فعال مدنی و هنرمند گرد هم آمدند تا براساس آرای زنان در مناطق جغرافیایی، طبقات اجتماعی، و اقتصادی و اقوام و مذاهب متفاوت منشور زنان ایران را تدوین کنند. سند زیر نخستین پیش نویس منشور زنان در ۱۴ ماده و ۱۵۱ بند و مبین خواسته‌های اساسی زنان خطاب به نهادهای حکومتی و جامعه مدنی است.

پیش‌نویس منشور زنان در بهار ۱۳۸۸ به نظرخواهی فعالان، صاحب‌نظران و گروه‌های اجتماعی و صنفی زنان در سراسر ایران گذاشته می‌شود تا با تلاش و مشارکت زنان ایران سند نهایی آن تدوین شود.

منشور زنان ایران

(پیش‌نویس برای نظرخواهی از گروه‌های اجتماعی زنان)

● به کوشش: گروه هماهنگی منشور زنان

● چاپ اول: اردیبهشت ۱۳۸۸

● تعداد: ۲۰۰۰ نسخه / توزیع رایگان

● نشانی سایت و ایمیل منشور زنان ایرانی

www.manshour.net

manshour88g@mail.com

ماده ۱: برابری

برابری و رفع تبعیض از زنان جوهر و شالوده مطالبات ما زنان و شهروندان ایران است که در میان طبقات و گروه‌های اجتماعی مختلف بیش از یک قرن برای دستیابی به حقوق و آزادی‌های فردی و شهروندی مبارزه کرده‌اند. ما بر این باوریم که برابری جنسیتی لازمه دستیابی به آزادی و عدالت، این دو آرمان همیشگی جامعه ایرانی است. برابری اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و حقوقی پنج رکن به هم پیوسته و غیرقابل تفکیک‌اند. ما زنان به‌عنوان شهروندان ایران خواستار آنیم که از حقوق، آزادی‌ها و فرصت‌های برابر با مردان در خانواده، محل کار، محیط اجتماعی و سیاست برخوردار باشیم. ما ضمن آن که خواهان مشارکت کامل و برابر در بنای جامعه آزاد و بدون تبعیض ایران دوشادوش مردان هستیم، می‌خواهیم از طریق تحقق مفاد این منشور از لطمه‌های بزرگ اجتماعی و اقتصادی‌ای که بر اثر بی‌توجهی به نقش زنان بر کل جامعه وارد می‌شود جلوگیری کنیم.

حکومت شامل نظام قانونگزاری، قضاییه و مجریه باید ساز و کار ویژه‌ای برای تضمین تحقق عملی اصل برابری در همه سطوح ایجاد کند. نهادهای مدنی بر آمده از دل مردم و گروه‌های اجتماعی مشرووع‌ترین محیط برای تغییر جهت وصول به اصل برابری‌اند. رسانه‌ها محیطی برای شنیده شدن صداهای زنان‌اند که نقشی محوری در عمومی کردن و فرهنگ‌سازی در جهت رفع تبعیض و نهادینه کردن اصل برابری بر عهده دارند و نهایتاً بخش خصوصی و نهادهای صنفی مرتبط با آن به‌عنوان یکی از ارکان انباشت سرمایه اجتماعی و مادی می‌تواند در رفع تبعیض از زنان و پیشبرد اصل برابری بسیار مؤثر باشد.

برای دستیابی به برابری لازم است اقدام‌های کلیدی زیر برای تضمین عملی منشور صورت گیرد:

۱. اصول ۱۹، ۲۰، ۲۱ و ۱۱۵ قانون اساسی باید براساس اصل برابری جنسیتی

اصلاح شوند.

۲. کمیسیون عالی زنان مرکب از نمایندگان سه قوه، فعالان جامعه مدنی، اصناف، گروه‌های مختلف اجتماعی، و رسانه‌ها باید طراحی شود که هدف آن سیاستگذاری برای نهادینه‌سازی و اجرایی کردن اصل برابری و رفع موانع و بازنگری روند تحقق برابری جنسیتی مطابق با خواسته‌های منشور زنان باشد.

۳. برای تحقق اصل برابری لازم است نظام بودجه‌بندی، و برنامه‌های توسعه و نحوه تخصیص و صرف بودجه با رویکرد تفکیک جنسیتی طراحی شود.

۴. اجرا و نحوه صرف بودجه‌های جنسیتی باید تحت نظارت کارشناسان و نهادهای مدنی زنان قرار گیرد.

۵. نهادهای دولتی موظفند دسترسی آزاد به اطلاعات را جهت تضمین اصل برابری در سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ها برای نهادهای مدنی و کارشناسان جنسیت ایجاد کنند.

ماده ۲: قانون و ساز و کار قضایی

در یک نگاه کلی، قوانین مدنی، جزایی، استخدامی و کار و تأمین اجتماعی، حاوی تبعیض‌های جنسیتی فراوان است. قوانین خانواده به‌عنوان اصلی‌ترین منبع حقوقی حاکم بر زندگی زنان در برگیرنده نابرابری‌های زیادی است. از جمله این که مرد، رئیس خانواده، ولی و سرپرست آن به‌شمار می‌رود و در مقابل تأمین نفقه زن و فرزندان، تصمیم‌گیری‌های مهم خانواده، از جمله تعیین محل اقامت، تعیین تعداد فرزندان، اشتغال یا عدم اشتغال زن، دفعات و نوع برقراری رابطه جنسی، اداره اموال فرزندان غیررشدید، صدور یا عدم صدور اجازه ازدواج دختر باکره خود و... از اختیارات غیرقابل تفویض اوست. همچنین در حالی که عملاً در بسیاری از خانواده‌های ایرانی، نان‌آوری، بین زن و مرد تقسیم شده یا حتی منحصراً بر دوش زنان قرار دارد، باز هم

۴. زنان باید به گونه‌ای برابر در نهادهای مرتبط با قانون اساسی، قوه قضاییه، قضات، تمامی دادگاه‌ها، و کمیسیون‌ها از جمله کمیسیون‌های حقوقی و قضایی و وزارت دادگستری مشارکت کرده و در آنها نماینده داشته باشند.

۵. قوانین ازدواج، طلاق، ارث، و بازنشستگی زنان باید با در نظر گرفتن نقش مستقیم و غیرمستقیم زنان در اقتصاد و در آمد خانواده به نفع زنان تغییر کند و با مردان برابر شود.

۶. زنان در همه گروه‌های اجتماعی به شدت با چند همسری و صیغه مخالف‌اند. از این رو لازم است که صیغه و تعدد زوجات منسوخ شود.

۷. قوانین مربوط به حضانت و نیز عدم برخورداری فرزندان زنان شاغل از مزایای بازنشستگی مادر پس از فوت باید تغییر کند. همچنین باید قوانین ویژه‌ای برای زنان شاغلی که درآمد خود را صرف خانواده می‌کنند، به ویژه به هنگام طلاق و یا فوت به تصویب برسد.

۸. قانون کار باید به نفع زنان تغییر کند و حق اولاد و حق مسکن و سایر حقوق به زنان تعلق گیرد.

۹. قوانینی که دخالت پلیس و نیروهای انتظامی به حریم فردی و خصوصی شهروندان اعم از زن و مرد را مجاز می‌دارد، باید ملغی شوند.

۱۰. قوانینی که قتل و هرگونه تعرض به زن را توسط شوهر، و سایر وابستگان نسبی و سببی تسهیل می‌کند، باید ملغی شوند.

۱۱. قوانینی که مجازات زنان را به‌خاطر نوع پوشش و معاشرت آنها مجاز می‌دارند، باید ملغی شوند.

۱۲. موانع قانونی در راه ادامه تحصیل دختران در خارج که به کسب اجازه از پدر موکول شده است، و در داخل که با مانع سهمیه‌بندی جنسیتی و بومی‌سازی مواجه

با همین توجیه، ارث و دیه زنان، در موقعیت‌های مختلف به‌طور کلی نصف مردان است و نیز در قوانین استخدامی، زنان از مزایای برابری چون فوق‌العاده عائله‌مندی یا حق مسکن برخوردار نیستند. طبق قوانین خانواده، تعدد زوجات برای مردان قانونی است، زنان از حق طلاق برابر با مردان برخوردار نیستند و سن ازدواج دختران، ۱۳ سال تعیین شده است. همچنین در آیین دادرسی و قوانین جزایی، شهادت زنان، نیمی از شهادت مردان ارزش دارد، سن مسئولیت کیفری دختران ۹ سال قمری (۸ سال و ۹ ماه) است در حالی‌که این سن، برای پسران ۱۵ سال و طبق کنوانسیون حقوق کودک، ۱۸ سال است. هنوز هم زنان نمی‌توانند به تنهایی قاضی صادر کننده رای باشند و تنها در دادسراها و در برخی از دادگاه‌ها، رای آنها می‌تواند به رای قضات مرد منضم شود یا از سوی دادستان تایید گردد.

برای احقاق حقوق قانونی زنان اقدامات زیر ضروری است:

۱. زنان خواستار برابری در تدوین، تفسیر و اجرای قانون هستند. تنها از این طریق قوانین موجود براساس موقعیت فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی زنان بازنگری شده و اصل برابری در سیاست و خط مشی همه ارکان تصمیم‌ساز کشور محقق می‌شود.

۲. قانون باید تحقق عملی برابری زنان و رفع تبعیض از آنان را ترویج کرده و تضمین نماید. برابری زنان در برابر قانون باید در تمامی روندهای قانونی، اجرایی و سیاستگذاری و قضایی و شبه قضایی مد نظر قرار گیرد.

۳. دولت ایران موظف است به کلیه قراردادهای و تعهدات بین‌المللی در جهت رفع تبعیض و خشونت علیه زنان که به آنها پیوسته متعهد بماند و تحقق عملی آنها را ممکن سازد. دولت همچنین موظف است بدون شرط تحفظ به کنوانسیون‌ها و معاهدات بین‌المللی‌ای همچون «کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان» بپیوندد که هدف آنها تحقق اصل برابری در جوامع انسانی است.

شده است، باید مرتفع گردد.

۱۴. نهادهای حکومتی، بخش خصوصی، رسانه‌ها و نهادهای جامعه مدنی باید برنامه‌های آموزشی فراگیر برای رفع تعصب و کلیشه‌های جنسیتی و نیز ترویج برابری زنان از نظر حقوقی تدوین کنند.

۱۵. دادگاه‌ها و نهادهای صنفی مرتبط با مسائل حقوقی موظف‌اند به همه زنان خدمات حقوقی و قانونی رایگان در هنگام دعاوی حقوقی ارائه دهند.

۱۶. آموزش قوانین حقوقی جمهوری اسلامی (قانون ارث، ازدواج و طلاق، تعدد زوجات، و نفقه) به زنان باید توسط نهادهای دولتی و سازمان‌های غیردولتی جهت آگاهی و اشراف آنها به هنگام ازدواج، اختلافات خانوادگی، محاکم و دادگاه‌های خانواده و نیز اطلاع از نابرابری‌ها و تبعیض‌ها و موانع موجود در قوانین و عرف و فرهنگ اجباری شود.

ماده ۳: خشونت علیه زنان

خشونت یکی از مهمترین موانع دستیابی به برابری و رفع تبعیض از زنان و اعتلای شخصیت زن در جامعه است. نیمی از زنان ایرانی حداقل یکبار در عمر خود در معرض خشونت فیزیکی واقع شده‌اند. آمار خشونت‌های روانی، کلامی، و مالی بسیار بیش از خشونت فیزیکی است. نظام تبعیض‌آمیز قانونی و سیاسی و اجتماعی در ایران خشونت علیه زنان را نهادینه و تشویق می‌کند. زنان از یکسو در معرض خشونت خانواده و اجتماع قرار دارند و از سوی دیگر در معرض خشونت که از سوی قانون و نهادهای حکومتی بر آنها اعمال می‌شود.

برای تغییر این وضعیت اقدامات زیر ضروری است:

۱. نهادهای حکومتی باید کلیه قوانین و رویه‌ها و سیاست‌هایی را که تمهیدات

اعمال خشونت علیه زنان را فراهم و به آن دامن می‌زنند، برچیند.

۲. هر نوع سیاستگذاری، قانونگذاری و رویه‌ای که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم خشونت علیه زنان و کودکان را از طریق دامن زدن به جنگ افروزی، ایجاد شرایط جنگی و ناامن برای زنان، مناقشات مسلحانه یا دامن زدن به آن، آواره شدن زنان از خانه و کاشانه و محل سکونت، تسهیل خطر حمله نظامی، حمله اتمی، شیمیایی، موشکی، حملات مقطعی نظامی، چریکی، یا هر نوع اقدام دیگری که زندگی جسمانی و روانی و بهداشت و سلامتی زنان را به خطر انداخته، خطر تجاوز به زنان و کودکان آنها را در پی داشته باشد، باید هر چه سریع‌تر متوقف شود.

۳. قانون مجازات خشونت علیه زنان در خانواده، جامعه و محیط‌های کار و نیز قانون مجازات خشونت علیه کودکان به ویژه دختر بچه‌ها باید توسط قانونگذار و با کمک نهادهای مدنی تدوین شود.

۴. خانه‌های امن برای زنان خشونت دیده متأهل و مجرد به وسیله سازمان‌های غیردولتی زنان باید ایجاد شده و تحت حمایت مالی دولت قرار گیرند.

۵. نهادهای حکومتی، رسانه‌ها، و جامعه مدنی و بخش خصوصی باید آموزش‌های فرهنگی و سیستم‌های پیشگیری از خشونت را به دانش‌آموزان در سطوح مختلف تحصیلی، مردان، زنان و خانواده‌ها ارائه کنند.

۶. نهادهای حکومتی و جامعه مدنی باید عوامل خودسوزی زنان را از میان برداشته و شرایط روان درمانی و حفاظت از زنان و دختران آسیب دیده را تأمین کنند.

۷. نهادهای حکومتی، جامعه مدنی و بخش خصوصی موظف‌اند از عوامل مؤثر در تجاوز به زنان و دختر بچه‌ها به‌ویژه کودکان کار جلوگیری کرده و کار کودکان و به‌ویژه دختر بچه‌ها را ممنوع کنند.

۸. قانون باید به‌طور جدی زمینه‌های تجاوز محارم به کودکان به‌ویژه به دختران

ماده ۴: خانواده

روابط میان زنان و مردان در خانواده ایرانی نابرابر است. قانون نابرابری در خانواده را در قالب ولایت زن بر مرد و لزوم اطاعت و تمکین زن به رسمیت شناخته است. عرف، تفسیر رایج از مذهب، و فرهنگ نیز زنان را در مناسبات خصوصی فروتر از مردان قرار می‌دهد. در مناطق محروم ازدواج‌های اجباری رایج است. همچنین ازدواج در سنین پایین در بسیاری از مناطق باعث به مخاطره افتادن سلامت زنان، کاهش حق کنترل زنان بر زندگی و فرودستی مضاعف آنها شده است. قانون نیز حق بی‌چون و چرای شوهر را بر بدن زن به رسمیت می‌شناسد. انواع مختلف خانواده‌ها از نظر قانون و عرف به رسمیت شناخته نمی‌شوند و در نتیجه از حقوق، وظایف و منافع یکسان برخوردار نیستند. از نظر عرف و قانون، زنان جز در صورت فوت همسر یا طلاق سرپرست خانواده به حساب نمی‌آیند. زنان در طی ازدواج و زمان انحلال از حقوق برابر با مردان و در صورت عدم ثبت ازدواج از حق ارث و نفقه برخوردار نیستند. مسئولیت‌های خانگی حتی در شرایط اشتغال تمام وقت زنان به‌طور برابر تقسیم نمی‌شود و مردان خانواده به منابع مادی خانواده دسترسی بیشتری دارند. شیوع رسم‌های ناپسند همچون مداخلات افراد خانواده شوهری، به فرودست شدن زنان منتهی می‌شود. قانون و عرف زنان خانه دار را از حق برخورداری از امتیازات رفاه اجتماعی محروم کرده و دسترنج زنان خانه دار به حساب آورده نمی‌شود.

برای تغییر این وضعیت اقدامات زیر ضروری است:

۱. زنان باید از حق انتخاب شریک و همسر خود بدون اجبار عرف و قانون برخوردار باشند.
۲. حق بدن و تمایل زنان در رابطه جنسی، دفعات و نحوه برقراری آن، بارداری، و سقط جنین باید به رسمیت شناخته شود.

و دختر بچه‌ها را از میان برده و با فرهنگ پنهان‌سازی تجاوز از ترس یا برای حفظ آبرو که موجب تداوم آن می‌شود مقابله کند.

۹. نهادهای حکومتی، مدنی، و رسانه‌ها باید با هرگونه ترویج و اعمال خشونت مستقیم و غیرمستقیم در خانواده (توهین، تحقیر، محرومیت از کار و تحصیل، ازدواج اجباری و جز اینها) مقابله کنند.

۱۰. نهادهای حکومتی باید با هرگونه خشونت مأمورین دولتی با زنان که تحت عنوان طرح‌های مقابله با اشکال مختلف پوشش زنان در کلیه فضاهای عمومی و رسمی اعمال می‌شود، مقابله کنند.

۱۱. قانون باید عدم رسیدگی و بی‌حرمتی و خشونت به سالمندان به ویژه زنان سالمند را از نظر قضائی قابل تعقیب دانسته و با آن مقابله کند.

۱۲. نهادهای دولتی موظف‌اند شبکه‌های حمل و نقل ایمن را برای زنان و به ویژه دختران جوان فراهم آورده و کلیه عوامل ایجاد ناامنی در فضای عمومی را از میان ببرند.

۱۳. نهادهای دولتی و بخش خصوصی موظف‌اند امنیت محیط‌های کار را برای زنان تضمین کنند و شرایط ایجاد خشونت علیه زنان را در محیط‌های کاری از بین ببرند.

۱۴. نهادهای دولتی موظف‌اند مؤسسات و واحدهای مددکاری را جهت ارتقا سطح آگاهی و حل مشکلات روانی زنان به‌صورت رایگان ایجاد کرده و آنها را بهبود بخشند.

۱۵. رسانه‌ها باید اشکال مختلف خشونت و تعرض به زنان در خانواده و فضای عمومی را گزارش کرده و اشکال مقابله با آن را ترویج و تشویق کنند.

دانش‌آموزان و دانشجویان را از طریق وضع قوانین و مقررات و ترویج فرهنگ خانواده برابر و رفتار یکسان با پسران و دختران در خانواده رفع کنند.

ماده ۵: آسیب‌های اجتماعی

توزیع نامتوازن ثروت، گسترش فقر، محرومیت‌های فرهنگی، قوانین تبعیض‌آمیز، رواج فساد و سوءاستفاده از شبکه‌های قدرت در کنار محدودیت‌ها و کنترل عرفی زنان و دختران به ویژه در مناطق محروم و فرودست بودن آنان در مناسبات خانوادگی، در سال‌های اخیر آسیب‌های اجتماعی را در تمام نقاط ایران افزایش داده است. اعتیاد یکی از مهم‌ترین معضلاتی است که زنان به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در معرض عواقب آسیب‌زای آن قرار دارند. به رسمیت نشناختن فاجعه ایدز توسط نهادهای رسمی و عدم توجه به تجارت جنسی موجب گسترش غیرقابل کنترل ایدز و بیماری‌های دیگر شده است. فرار دختران، خودکشی، رواج افسردگی و بیماری‌های روانی، رشد جرایم در میان آنها ناشی از عوامل فوق و ترویج خشونت بر زنان است.

برای رفع آسیب‌های اجتماعی جنسیت محور لازم است اقدامات زیر اتخاذ شود:

۱. دولت و رسانه‌ها موظف‌اند تا با گسترش عدالت اجتماعی، رفع تبعیض‌ها، مبارزه با فساد و خشونت و سوءاستفاده از قدرت در همه اشکال آن، زمینه‌های اجتماعی آسیب‌هایی همچون اعتیاد، تن فروشی و تجارت جنسی و قاچاق زنان، و بیماری‌های ناشی از آنها را برطرف کنند.

۲. جهت پیشگیری از گسترش آسیب‌های اجتماعی جنسیت محور لازم است عوامل زمینه ساز در خانواده شامل فقر، اختیارات بی‌حد و حصر پدر و شوهر در خانواده، خودکامگی مردان و زمینه‌های تعرض جسمی و روحی به دختران و پنهان

۳. نهادهای حکومتی، رسانه‌ها، جامعه مدنی و بخش خصوصی هر یک به تناسب باید مکانیسم‌های تشویقی برای ایجاد خانواده برابر، تقسیم مسئولیت‌های خانوادگی بین تمام اعضای خانواده، افزایش قدرت تصمیم‌سازی و دسترسی برابر زنان به شاخص‌های قدرت در خانواده، ایجاد کنند و در مورد عدم دخالت خویشاوندان و عوامل بیرونی در مناسبات خانوادگی فرهنگ‌سازی کنند.

۴. نهادهای حکومتی و رسانه‌ها باید حق سلامت، حق فراغت و حقوق اقتصادی مادران و زنان خانه‌دار را به رسمیت شناخته و ترویج کنند.

۵. رسانه‌ها باید روند تغییر تقسیم مسئولیت‌های بیرون و درون خانه بین زن و شوهر و نقش‌های جدید تصمیم‌گیری زنان در خانواده را تشویق و ترویج کنند.

۶. دولت باید زنان خانه‌دار، زنان سالمند، و معلول و از کار افتاده را از هزینه معاش کافی و امتیازات رفاه اجتماعی برخوردار کند و آنها را تحت پوشش بیمه‌های خدمات درمانی، از کار افتادگی و معلولیت قرار دهد.

۷. زنان باید به‌عنوان سرپرست از حق حضانت و ولایت بر کودکانشان، حق انتقال تابعیت به فرزندان‌شان، و انجام معاملات اقتصادی به نیابت از فرزندان برخوردار باشند.

۸. زنان دارای ازدواج‌های ثبت نشده باید از حق ارث بری یکسان از همسران خود برخوردار باشند.

۹. قوانین ازدواج و طلاق و خانواده که به صورت رسوم عرفی یا مذهبی تبعیض‌آمیز در مورد زنان اقلیت‌های مذهبی و قومی اعمال می‌شود، باید براساس اصل برابری اصلاح شود.

۱۰. وظیفه دولت، رسانه‌ها و نهادهای جامعه مدنی است که محدودیت‌ها و کنترل‌های شدید و توأم با خشونت خانواده‌ها بر روی دختران جوان و مجرد به‌ویژه

کردن این تعرضات در حریم خصوصی محدود شود. در صورت اعتیاد پدر، قانون موظف است اختیارات قانونی او را سلب کند.

۳. دستگاه‌های آموزشی دولتی و غیردولتی موظف‌اند در مورد آیدز و اعتیاد و بیماری‌های ناشی از آسیب‌های اجتماعی آموزش همگانی را در مقاطع مختلف تحصیلی و نسلی در مناطق مختلف به ویژه در مناطق بحرانی در دستور کار قرار دهند.

۴. رسانه‌ها موظف‌اند در مورد پیشگیری از آیدز، اعتیاد، و بیماری‌های ناشی از آسیب‌های اجتماعی اطلاع‌رسانی و فرهنگ‌سازی کنند.

۵. دولت موظف است وام‌ها و تسهیلات ویژه‌ای را برای توانمندسازی و اشتغال زنان محکوم در حین گذراندن مدت محکومیت و بعد از آن با کمک بخش خصوصی و نهادهای مدنی در نظر بگیرد.

۶. دولت موظف است با همکاری نهادهای مدنی خانه‌های امن برای دختران فراری و زنان معتاد و روسپی فراهم کند و شرایط اشتغال و تحصیل آنها را برای بازگشت به جامعه از طریق اعطای وام‌های بدون تضمین تسهیل کند.

۷. دولت با کمک نهادهای مدنی باید برای پیشگیری از روسپیگری، به جای جرم‌انگاری آن، با شبکه‌های تجارت جنسی مقابله کند، زمینه‌های اشتغال و تأمین اجتماعی زنان قربانی را فراهم کند و با از میان بردن نابرابری‌های حقوقی آنها با مردان به افزایش منزلت و خوداتکائی و اجتناب از تن فروشی کمک کند.

۸. زنانی که در معرض آسیب‌های اجتماعی قرار دارند، یا می‌توانند مورد سوءاستفاده اعضای خانواده و به ویژه پدر واقع شوند، باید تحت پوشش حمایتی ویژه و کارآی دستگاه‌های تأمین اجتماعی قرار گیرند و مقررات به نفع زنان آسیب دیده تغییر کند.

۹. دولت باید در مورد جلوگیری از تجارت جنسی و فروش و قاچاق دختران و زنان ولو توسط اعضای خانواده تدابیر قانونی ویژه اتخاذ کند.

ماده ۶: آموزش و پرورش و حرفه‌آموزی

با آن که تحصیل زنان از جمله عرصه‌های مؤثر در افزایش قدرت اجتماعی آنان در ایران بوده است و با آن که در این حوزه زنان به پیشرفت‌های چشمگیری حتی در مقیاس جهانی دست یافته‌اند، اما نظام آموزشی ایران نگاه مردانه‌ای دارد و بذریع بیض علیه زنان را در ذهنیت نسل جدید می‌نشانند. تبعیض جنسیتی نهادینه در متون آموزشی در سطوح مختلف ترویج می‌شود. رشته‌هایی که برای جذب پسران برنامه‌ریزی شده بسیار گسترده‌تر از دختران است. همچنین فضاهای آموزشی تخصیص یافته به دختران به ویژه در شهرهای کوچک‌تر و مناطق روستائی و عشایری بسیار کمتر از پسران است. اگر ادامه تحصیل به بودجه خانوار ارتباط پیدا کند، تحصیل پسران در اولویت قرار می‌گیرد. توزیع نامناسب امکانات آموزشی و مخالفت خانواده‌ها با تحصیل دختران در مکان‌های دور باعث ترک تحصیل دختران در سطوح راهنمایی و متوسطه می‌شود که از عوامل ازدواج‌های اجباری و زود هنگام است. همچنین در سطح آموزش عالی، به رغم تلاش‌های دختران برای دستیابی به سطوح بالاتر آموزشی، طرح سهمیه‌بندی جنسیتی و بومی‌گزینی که توسط حکومت به اجرا در آمده است، دختران را به‌طور ناعادلانه از دسترسی به رشته و مکان تحصیلی مورد علاقه باز می‌دارد.

دانشگاه به جای آن که فضایی برای برخورد آزادانه عقاید باشد، به مکانی برای ترویج نابرابری و تقویت کلیشه‌های جنسیتی برای آماده کردن زنان برای ایفای نقش زن/ مادر خانه‌دار بدل شده است. محدودیت‌های روز افزون بر فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی و سیاسی دانشجویان و برخوردهای سلیقه‌ای با نحوه پوشش دانشجویان دختر از شدت گرفتن روند تبعیض نسبت به دختران در سطوح آموزشی

حکایت دارد. رشته‌های مطالعات زنان نه تنها گسترش پیدا نکرده‌اند، بلکه تحت‌تأثیر سیاست‌های جنسیتی حکومت به ابزاری برای توجیه روندهای نابرابر بدل شده‌اند. نهادهای نظارتی دانشگاه اقدامات مؤثری برای جلوگیری از سوء استفاده از دانشجویان دختر توسط مقامات و اساتید دانشگاه‌ها انجام نمی‌دهند و دانشجویان دختری که از آنها سلب حیثیت می‌شود، از هیچ مرجعی برای رسیدگی به مشکلات خود برخوردار نیستند. توزیع ناعادلانه تسهیلات رفاهی و آموزشی مانند خوابگاه‌ها، کتابخانه‌ها، و غذاخوری‌ها در میان دانشجویان دختر موجب افت تحصیلی و مشکلات روحی و روانی عیدهای در میان آنها شده است. در حوزه سیاست‌ها و رویه‌ها نیز تبعیض‌های جنسیتی میان دختران و پسران وجود دارد.

برای برخورداری زنان از آموزش مناسب اقدامات زیر ضروری است:

۱. با توجه به زنانه بودن آموزش و پرورش در ایران و توزیع ناعادلانه نیروهای انسانی زن و حاکمیت فضای مردانه، نظام آموزشی باید در کلیه سطوح اعم از مدیریت‌های محلی تا سطوح عالی سیاست‌گذاری اصلاح شود تا زنان بتوانند از نقش محوری در سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری در امور آموزشی در وزارت آموزش و پرورش برخوردار شوند. زنان باید در تمامی سطوح تصمیم‌گیری و مدیریت و اداره آموزش و پرورش و حرفه‌آموزی نماینده داشته باشند.

۲. آموزش رایگان دختران و زنان صرف نظر از سن، ملیت و وضعیت تأهل در همه سطوح و برای همگان باید در دسترس قرار گیرد؛ به ویژه برای دختران و زنان از خانواده‌های کم درآمد و مناطق دور افتاده.

۳. متون آموزشی در همه سطوح به منظور حذف کلیشه‌های جنسیتی باید مورد بازنگری قرار گیرند.

۴. زنان در همه گروه‌های اجتماعی قطع نظر از وضعیت تأهل، نژاد، مذهب،

۵. دولت باید تسهیلات مراقبت از کودکان و سالمندان را برای دانش‌آموزان، دانشجویان، معلمان و اساتید، و کارمندان دستگاه‌های آموزشی و حرفه‌آموزی ایجاد و آنها را افزایش دهد.

۶. نهادهای حکومتی باید فرصت‌های ادامه تحصیل برای دانشجویان دختر را در خارج از کشور بدون در نظر گرفتن وضعیت تأهل آنها فراهم آورد و کلیه تبعیض‌ها در این زمینه را مرتفع کند تا دختران بتوانند بر اساس شایستگی‌های خود به فرصت‌های تحصیلی برابر دست یابند.

۷. هر نوع تبعیض جنسیتی در حوزه آموزش اعم از سهمیه‌بندی جنسیتی دانشگاه‌ها، بومی‌گزینی، تبعیض در انتخاب رشته‌های تحصیلی و جز این‌ها باید حذف شود.

۸. تبعیض‌های موجود بین دانشگاه‌های پایتخت و شهرستان‌ها از نظر استفاده از اساتید زن و فراهم کردن امکانات جذب دانشجویان دختر باید از میان برود.

۹. دولت باید از تولید فکر و اندیشه توسط زنان محقق و دانشگاهی استقبال و آنها را تشویق کند و تبعیض‌های جنسی در جذب اساتید زن را از میان بردارد.

۱۰. مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای زنان، کتابخانه‌ها، و تسهیلات آموزشی به ویژه در مناطق محروم باید توسعه یابد و رشته‌های جدید متناسب با بازار کار به برنامه‌های دانشگاهی در این مناطق اضافه شود.

۱۱. نظام آموزشی باید درسی را با عنوان «حقوق زنان» و «آموزش‌های سلامت جنسی» و «مهارت‌های ارتباطی سالم» در همه سطوح آموزشی برای پسران و

دختران در دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها تدوین کند.

۱۲. دختران و زنان در مراکز آموزشی باید در برابر مزاحمت و سوء استفاده جنسی مورد حمایت قرار گیرند. به منظور تضمین حرمت و مصونیت دختران دانشجو باید مراکزی جهت مراجعه در هر دانشکده با بودجه آموزش عالی به وجود آید.

۱۳. کارمندان زن آموزش و پرورش و آموزش عالی باید از حقوق و مزایایی برابر با دیگر کارمندان دولت و مساوی با مردان برخوردار باشند.

۱۴. نهادهای حکومتی و صنفی باید دسترسی ویژه و خاص زنان به بودجه و سرمایه برای آموزش و پرورش و حرفه‌آموزی را ایجاد کنند.

۱۵. دختران دانشجو باید از تسهیلات متناسب آموزشی برخوردار باشند و مقررات نباید در دسترسی به امکانات و تسهیلات (کتابخانه‌ها، خوابگاه‌ها، کلاس‌ها، استفاده از بورسیه‌های تحصیلی و سفرهای علمی و ...) میان دختران و پسران دانشجو تبعیض قایل شود.

۱۶. جداسازی جنسیتی فضاهای آموزشی باید ملغی شود.

۱۷. گزینش‌های عقیدتی و سلیقه‌ای برای ورود به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، کمیته‌های انضباطی و هر نوع تفتیش عقاید به ویژه از زندگی خصوصی دختران باید از میان برداشته شوند.

ماده ۷: اقتصاد و اشتغال

تعریف‌های مرسوم شغلی در اقتصاد رسمی در برگیرنده سهم عمده کار انجام شده توسط زنان نیست. زنان برای مشارکت کامل در اقتصاد با محدودیت‌های اجتماعی، اقتصادی و ایدئولوژیک مواجه‌اند. فرصت اشتغال رسمی زنان در نیم قرن گذشته به دلیل کاهش مشاغل کارگری سنتی در سال‌های پیش از انقلاب، سلطه اقتصاد نفتی و سیاست رسمی محدود کردن اشتغال زنان به ویژه خانه‌نشینی زنان

متخصص پس از انقلاب رشدی نکرده است. طی دهه اخیر با افزایش سطح تحصیل، گرایش به کار بیرون از خانه در میان همه اقشار زنان افزایش یافته اما امروز هم زنان جوان با بیکاری گسترده (دو برابر بیکاری مردان) مواجه‌اند. زنان شاغل در بخش خصوصی در مشاغلی که ویژگی آنها دستمزد پایین‌تر و شرایط نامطلوب کار است به فعالیت ادامه می‌دهند. محدودیت فرصت‌های شغلی زنان به دلیل اولویت دادن به مردان به‌عنوان سرپرست خانوار و نیز حفظ سلطه اقتصادی مردان، موجب دسترسی بیشتر مردان به منابع ثروت، تبعیض علیه زنان در اقتصاد و فقر نسبی آنها در مقایسه با مردان شده است.

برای ارتقاء موقعیت زنان در اقتصاد و رفع تبعیض از آنها اقدامات زیر ضروری است:

۱. نهادهای حکومتی، و مدنی و بخش خصوصی باید از اشتغال زنان با به‌رسمیت شناختن آنها به‌عنوان یکی از نان‌آوران خانه حمایت کنند. اتخاذ سیاست‌های حمایت از دسترسی برابر زنان به سرمایه مادی (منابع اعتباری، مالی و بیمه) سرمایه انسانی (دوره‌های آموزشی، فرصت‌های حرفه‌آموزی و ...) و سرمایه اجتماعی (حمایت از زنان فعال در اتحادیه‌ها، اتاق‌ها، انجمن‌ها و ...) توسط نهادهای فوق ضروری است.

۲. دولت و نهادهای صنفی و بخش خصوصی باید اشتغال زنان را با فراهم کردن مراکز عمومی و دولتی نگهداری از کودکان و مراقبت از بزرگسالان که هم اکنون وظیفه آن کاملاً بر عهده زنان است، به‌طور رایگان تسهیل کنند.

۳. گزینش‌های عقیدتی، مذهبی، قومی، و سلیقه‌ای و تبعیض جنسیتی در مؤسسات دولتی چه به‌هنگام استخدام چه پس از آن، رفع تبعیض در ارتقای شغلی و اولویت دادن به مردان در اعزام به مأموریت‌های خارج از شهر یا کشورهای دیگر باید لغو شود.

۴. تبعیض بین زنان و مردان کارگر در کارخانجات باید از بین برود حقوق برابر برای کار مشابه پرداخت شود.

۵. سوءاستفاده جنسی از زنان در محیط کار باید مورد تعقیب قضایی قرار گیرد.

۶. شرایط استخدامی مانند شرط تأهل یا هر گونه شرط دیگری که تبعیض‌آمیز باشد، باید لغو شود.

۷. جداسازی‌های جنسیتی محیط کار که منجر به حاشیه راندن زنان در محیط‌های کاری، کارخانه‌ها و ادارات می‌شود، باید لغو شود.

۸. دولت باید با زنانه شدن فقر از طریق پوشش تأمین اجتماعی برای زنان شاغل در حرفه‌ها و رده‌های مختلف بخش خصوصی، حمایت از تأمین مالی زنان سالمند، حمایت از تأمین مالی زنان سرپرست خانوار و پوشش بیمه بازنشستگی زنان خانه‌دار مقابله کند.

۹. دولت، نهادهای صنفی، سندیکاها و بخش خصوصی باید تبعیض مثبت برای زنان در تأمین وام خود اشتغالی، تأمین وسایل تولید و وام تعمیرات و ساخت مغازه و کارگاه با توجه به اهمیت این بخش در تأمین اشتغال زنان را فراهم کنند.

۱۰. دولت، و نهادهای مدنی باید از فعالیت اقتصادی زنان روستائی با افزایش آموزش حرفه‌های جدید به دختران و زنان، بهبود دسترسی زنان به منابع اعتباری و حمایت از تعاونی‌های تولید زنان در روستاها حمایت کنند.

۱۱. دولت، و بخش خصوصی باید به وضع زنان کارگر کشاورزی که در شرایط سخت و تغییرات آب و هوایی طاقت‌فرسا کار می‌کنند توجه کنند و آنها را تحت پوشش بیمه قرار دهند. نهادهای فوق باید برابری دستمزدها میان زنان و مردان را تضمین کرده و با امکانات رفاهی مثل مهد کودک و درمانگاه در جوار واحدهای بزرگ کشاورزی، شرایط متناسب برای کار زنان را فراهم کنند.

۱۲. قانون باید ارزش اقتصادی اشتغال غیررسمی زنان و سایر فعالیت‌های اقتصادی که برای کمک به هزینه‌های خانوار به‌ویژه به هنگام طلاق و یا فوت شوهر انجام می‌شود را به رسمیت شناخته و محاسبه کند.

۱۳. قوانین لازم به‌منظور احتساب سهم زنان خانه‌دار در تولید ناخالص ملی کشور باید به تصویب برسد و ارزش افزوده ناشی از کار خانگی محاسبه شود.

ماده ۸: حقوق بشر و حقوق شهروندی

قوانین، عرف و فرهنگ زنان را شهروندان درجه دو به حساب می‌آورند. مطابق قوانین، عرف و آداب و رسوم اشتغال، سفر، ازدواج، معاملات و جز اینها به اذن ولی زن یا همسر او صورت می‌گیرد. در حیطه عرف و فرهنگ در برخی مواقع زنان در زمره صغار، مجانین و اموال و دارایی‌های مردان به حساب می‌آیند. این موضوع به ویژه در مورد زنانی که در برخی مناطق مرزی سکنی دارند، برای دختران جوان، زنان دارای همسران خارجی، و زنان بیوه و مطلقه بیشتر صادق است.

برای تأمین حقوق کامل شهروندی زنان اتخاذ اقدامات زیر ضروری است:

۱. حق انتخاب پوشش برای زنان از همه مذاهب، قومیت‌ها در ایران باید به رسمیت شناخته شود و محدودیت‌ها، قوانین، و رویه‌هایی که زنان را مجبور به پوشش خاصی برای سر و بدن می‌کنند، باید ملغی شوند.

۲. کلیه قوانین و مقررات و رویه‌هایی که زنان را به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم شهروند درجه دو محسوب می‌کنند و ارایه حقوق شهروندی به آنان را مشروط می‌کند، باید اصلاح شوند.

۳. موانع سیاسی پیش روی فعالان و مدافعان حقوق بشر زنان باید از میان برداشته شود.

۴. موانع فرهنگی و مقررات محدود کننده سفر و اقامت دختران و زنان به تنهایی در شهرهای داخل کشور و به خارج از کشور باید مرتفع شود.

۵. اجازه شوهر برای گرفتن پاسپورت، اجازه خروج از کشور، استخدام، و... باید ملغی شود.

۶. قوانین و عرف در مورد ارث از اموال، خرید و فروش زنان و دختران یا کودکان آنها یا بدل دادن آنها، خون بس، قتل‌های ناموسی، ختنه دختران، و مانند اینها که در برخی مناطق اعمال می‌شود و ناقض حقوق انسانی و شهروندی زنان است، باید جرم شناخته شده و با آنها مقابله شود.

۷. دولت باید برای زنان ایرانی و مهاجرین غیرایرانی که به دلیل نداشتن شناسنامه از حقوق قانونی، نفقه، ارث و حقوق مترتب بر ازدواج محروم‌اند، شناسنامه صادر کرده و هویت و حقوق شهروندی آنان را به رسمیت بشناسد.

۸. زنان باید حق کسب، تغییر و حفظ تابعیت خویش و انتقال آن به کودکانشان را داشته باشند.

۹. محدودیت ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرمسلمان و خارجی باید لغو شود.

۱۰. آموزش «حقوق شهروندی و حقوق بشر زنان» باید در همه سطوح و در همه جای کشور در برنامه‌های آموزشی گنجانده شود.

ماده ۹: حقوق سیاسی - اجتماعی

سهم زنان از نهادهای مدنی، و قدرت و تصمیم‌گیری در ایران بسیار ناچیز و در حد عقب‌مانده‌ترین کشورهای جهان است. با این که بر اساس قانون اساسی زنان می‌توانند به ریاست جمهوری برگزیده شوند، اما تفسیرهای سلیقه‌ای از اصل ۱۱۵ قانون اساسی، عملاً این امکان را از زنان سلب کرده است. همچنین زنان هیچ سهمی از حضور در نهادهای تصمیم‌گیری ندارند. در مجلس خبرگان رهبری، مجمع

تشخیص مصلحت نظام، شورای عالی قضایی، شورای عالی امنیت ملی و سایر شوراهای عالی سیاستگذار، زنان فرصت مشارکت نداشته‌اند. تاکنون ریاست هیچ وزارتخانه‌ای به زنان سپرده نشده است و زنان در ریاست قوای سه‌گانه سهمی نداشته‌اند. انجمن‌ها و نهادهای مدنی زنان انگشت شمار و در معرض فشارهای متعدد هستند. حضور زنان در مناصب مدیریتی ناچیز است. فعالیت سیاسی برای زنان به دلیل گزینش‌های اخلاقی و عقیدتی، و یا تهدیدات و تسویه حساب‌های شخصی سیاسی و به مخاطره انداختن زندگی خانوادگی زنان به دلیل ورود آنان به رقابت‌های انتخاباتی دشوار است. این تهدیدات در شهرهای کوچک بسیار بیشتر است. در قیاس با مردان زنان از فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی به مراتب کمتری برخوردارند که رقابت در عرصه سیاسی را برای آنها بی‌نهایت دشوار می‌کند. مشارکت سیاسی از عرصه‌هایی است که در آنها نیاز به اقدام مثبت مثل سهمیه‌بندی پارلمانی و نیز سهمیه‌بندی مناصب دولتی وجود دارد. حوزه قدرت سیاسی مردسالار است و حضور معدود زنان متنفذ یا مسئول در دولت و مجلس یا فراکسیون‌های سیاسی به دلیل عدم برخورداری از توانایی‌ها و آگاهی‌های لازم و فقدان برنامه مشخص و مورد توافق مردان هم حزبی چندان به اصلاح رویه‌های تبعیض‌آمیز علیه زنان کمک نکرده است.

برای احقاق حقوق اجتماعی و سیاسی زنان اقدامات زیر ضروری است:

۱. زنان باید در مناصب رسمی تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در سطوح عالی اعم از مسئولیت قوای سه‌گانه و شوراهای عالی و وزارتخانه‌ها از فرصت‌های برابر برای مشارکت برخوردار باشند.

۲. زنان باید از سهمیه انتخاباتی، پارلمانی و نیز سایر پست‌ها و مشاغل حکومتی در سطوح خرد و کلان بین سی تا پنجاه درصد برخوردار باشند.

۳. قوانین برای تأسیس آزادانه سازمان‌های غیردولتی زنان و جلوگیری از انحلال

آنها مگر با توسل به نظر هیأت منصفه و رأی قطعی دادگاه صالح باید تدوین شود.
۴. موانع و محدودیت‌ها در مورد تجمعات باید بر اساس اصل ۲۷ قانون اساسی ملغی و جرم‌زدایی شود.

۵. یک دفتر دائمی رسیدگی به مسائل زنان در دفاتر مسئولان محلی مانند شورای‌های شهر و روستا، شهردار، فرماندار، بخشدار، و... ایجاد شود.

۶. نهادهای حکومتی، مدنی و رسانه‌ها باید اقداماتی را برای حضور هر چه بیشتر زنان در قدرت به عمل آورند تا از حضور سیاسی زنان کلیشه‌زدایی شده و فرهنگ عمومی حضور زنان در مناصب مدیریتی را طبیعی تلقی کند.

۷. زنان باید در اداره شهر و محیط زندگی خود سهیم باشند. حضور زنان در عرصه تصمیم‌گیری و مدیریت شهری زمینه انعکاس خواسته‌ها و حقوق زنان بر شهر را فراهم می‌کند. در همه تشکلهای محلی نظیر شورایی‌ها و مرکز محله مشارکت مؤثر زنان تضمین شود.

۸. زنان روستایی حق دارند جزئی از سازمان‌های تصمیم‌گیر در اجتماعات سنتی باشند.

۹. موانع ارتقای شغلی زنان به مدارج مدیریتی و بالاتر باید از میان برداشته شود.

۱۰. شرایط برای تسهیل تشکلهای صنفی زنان در حوزه کارگری، کارمندی و فعالیت‌های تخصصی باید فراهم شود تا زنان در سطوح اجتماعی گوناگون قادر باشند از حقوق حقه‌ی خود در محیط کار دفاع کنند.

۱۱. در عرصه سیاست باید نهاد و سازمانی به وجود آید که متولی و مدافع مسائل زنان باشد و نمایندگان سازمان‌های غیردولتی در آن عضو باشند و از تغییرات به نفع زنان حمایت و تحقق آنها را پی‌گیری کنند.

ماده ۱۰: سلامت زنان و ورزش

در ایران زنان و دختران به دلیل برخوردار نبودن از امکانات ورزشی و نیز فضاهای عمومی دچار فقر حرکتی، بی‌تحركی عمومی، اضافه وزن، و بی‌شمار بیماری‌های روحی و روانی ناشی از عدم تحرک‌اند. افسردگی مشکل عمده زنان است که نتیجه فشارهای اجتماعی و خانوادگی، تسلط مردسالاری، تحقیر و تبعیض نسبت به زنان است. بارداری ناخواسته و سقط‌های ناایمن به یکی از دل‌نگرانی‌ها و مخاطرات زندگی زنان تبدیل شده است. مسائل و آثار روانی بجا مانده از هشت سال جنگ روی زنان داغدار و خانواده‌هایی که هنوز دلهره‌ها و اضطراب‌های ناشی از جنگ و آوارگی را با خود حمل می‌کنند، در بخشی از مناطق کشور گسترده است.

افزایش طول عمر زنان بدون برخورداری از امکانات تأمین زندگی به ویژه در فقدان شوهر و مرگ نزدیکان از جمله مهم‌ترین نگرانی‌های زنان سالمند است. بسیاری از زنانی که به سن پیری می‌رسند از مکانیسم‌های حمایتی یا افرادی که از آنها مراقبت کنند، محروم‌اند. دغدغه‌های زنان در دوران پیری شامل تنهایی، از کار افتادگی، بحران‌های مالی و وابستگی‌های متعدد به دیگران، بی‌حرمتی، عدم رسیدگی، خشونت، سوءاستفاده و تعرض به اموال و دارایی‌ها یا به حریم شخصی است.

برای بهبود وضعیت سلامت زنان اقدامات زیر ضروری است:

۱. امکانات ورزشی رایگان و ارزان باید تأمین شده و در دسترس زنان در همه گروه‌های اجتماعی قرار گیرد.

۲. دولت و نهادهای مدنی و بخش خصوصی باید امکانات آموزشی، فرهنگی، ورزشی و تفریحی برای زنان و دختران جهت مقابله با افسردگی‌های روحی ناشی از فشار زندگی در کلیه محلات شهرها و روستاها و به ویژه مناطق محروم دایر کنند.

۳. اماکن ورزشی دولتی و ساعت‌های استفاده از آنها باید به‌طور عادلانه به زنان و مردان اختصاص داده شود.

۴. دولت باید حق کنترل باروری، دسترسی رایگان به روش‌های متنوع تنظیم خانواده و امکان سقط جنین ایمن را در موارد بارداری ناخواسته و مخاطره‌آمیز برای زنان تأمین کند.

۵. دولت و نهادهای مدنی باید متناسب با سبک زندگی زنان عشایر مراکز بهداشت سیار و در دسترس را جهت حفظ سلامت زنان باردار، زایمان ایمن و پیشگیری از بیماری‌های عفونی مادران و کودکان آنها تجهیز کند.

۶. دولت، بخش خصوصی و نهادهای مدنی باید به سلامتی زنان در شهرهای بزرگ و صنعتی که با آلودگی آب و هوا و خاک مواجهند توجه کنند و برای رفع عوامل آلودگی‌های زیست‌محیطی از جمله ترافیک چاره‌اندیشی کنند.

۷. شرایط سلامتی زنان شاغل به‌ویژه در محیط‌های صنعتی و کارخانجات باید توسط بخش خصوصی و دولتی تأمین شود.

۸. بخش دولتی و خصوصی باید برای زنان شاغل برنامه‌های بهداشتی و ورزشی در زمان‌های کار بی‌آنکه از حقوق و مزایای آنها کسر شود، تأمین کند.

۹. دولت باید بهداشت و درمان ارزان قیمت و نیز مراقبت‌های دوران از کار افتادگی، سالخوردگی، معلولیت، بیماری‌های صعب‌العلاج و جز اینها را در دسترس همه زنان به‌ویژه زنان کم‌درآمد قرار دهد.

۱۰. دولت باید شرایط سلامت روحی زنان به‌ویژه زنان خانه‌دار را که به دلیل درگیری روزمره و تحمل فشارهای مختلف زندگی خانوادگی بدون برخورداری از امکانات غلبه بر این مشکلات در معرض بسیاری از بیماری‌ها مثل افسردگی، اضطراب و استرس هستند، تأمین کند.

۱۱. دولت، رسانه‌ها و نهادهای مدنی باید اطلاعات بهداشتی زنان خانه‌دار را در مواردی همچون بهداشت باروری، قاعدگی و اضافه وزن، پوکی استخوان، کمبود آهن، سرطان سینه و رحم و موارد دیگر افزایش دهند.

۱۲. دولت و نهادهای مدنی باید برای جلوگیری از عوارض ازدواج و بارداری زودرس (زیر سن ۱۸ سالگی) و ناخواسته مراکزی را احداث کنند تا زنان در آن به‌طور رایگان تحت درمان قرار گیرند.

۱۳. دولت باید تسهیلات پزشکی رایگان برای بیماری‌های خاص زنان فراهم کند.

۱۴. دولت و نهادهای مدنی و رسانه‌ها باید در جهت تشویق تحرک بدنی و ورزش زنان و افزایش نشاط آنها برنامه‌های تشویقی و تفریحی از طریق رسانه‌های گروهی تدارک ببینند.

۱۵. زنان سالمند باید تحت حمایت اقتصادی و درمانی و ارایه خدمات مراقبت‌های شخصی قرار گیرند و فعالیت‌های اجتماعی و معاشرت‌های جمعی آنها تشویق شود.

۱۶. تفکیک جنسیتی رشته‌های مرتبط با بهداشت و سلامت و ورزش زنان در دانشگاه‌ها و سایر مراکز آموزشی بهداشتی باید مرتفع شود.

۱۷. تبعیض‌های موجود در ورزش‌های قهرمانی و باشگاهی زنان در کلیه رشته‌های ورزشی باید لغو شود.

ماده ۱۱: قلمرو خصوصی و عمومی

محدودیت‌های حضور زنان در فضاهای عمومی با مداخله و کنترل امور شخصی آنها در قالب طرح‌های مختلف کنترل اخلاقی توسط دولت همراه شده است. طرح‌های کنترل اخلاقی در طول سالیان نه تنها به گسترش امر اخلاقی در جامعه ایران کمکی نکرده است بلکه با تجاوز به حریم خصوصی افراد، ایجاد رعب و وحشت و توهین به شخصیت زنان از جمله عوامل بازتولید خشونت نسبت به زنان محسوب می‌شود. دختران جوان بیش از همه در معرض آسیب این طرح‌ها بوده و کنترل پلیسی فضاهای عمومی و نگرانی خانواده‌ها باعث تشدید احساس ناامنی و

درونی شدن ترس در میان دختران یا بروز روحیه ضداجتماعی و اعتراضات لجام‌گسیخته می‌شود.

برای جلوگیری از این وضعیت اقدامات زیر ضروری است:

۱. نهادهای حکومتی موظف‌اند با وضع و اجرای قوانین مناسب تأمین امنیت زنان در قبال انواع تعرضات در فضاهای عمومی را تضمین کنند.

۲. دولت و مدیریت شهری باید تمهیدات لازم فیزیکی و مدیریتی را برای ایمن‌سازی فضاهای عمومی و مسیرهای تردد زنان فراهم کنند.

۳. طرح‌های امر به معروف و امنیت اجتماعی و مشابه آنها که موجب تجاوز به حریم خصوصی افراد، ایجاد رعب و وحشت، توهین به شخصیت زنان و حبس دختران در منازل خود به دلیل نگرانی و ترس از دستگیری و مجازات به دلیل نوع رفت و آمد در فضاهای عمومی است، باید متوقف شوند.

۴. زنان باید از حق انتخاب وسایل حمل و نقل متنوع نظیر موتور و دوچرخه برخوردار باشند و شبکه حمل و نقل عمومی در قلب محلات و اماکن مسکونی به‌منظور افزایش تحرک و امنیت تردد زنان در شهر گسترش یابد.

۵. زنان باید از حق ورود به مکان‌های و استادیوم‌های ورزشی به‌هنگام برگزاری مسابقات برخوردار باشند.

۶. دولت و رسانه‌ها باید با موانع و محدودیت‌های عرفی در شهرهای کوچک که تحرک زنان و دختران را در شهر محدود می‌کند، مقابله کنند.

۷. دولت و مدیریت‌های شهری باید امنیت زنان و کودکان در مناطق حاشیه‌ای و مهاجرنشین شهرها را که به دلیل گسیختگی بافت شهری، خلاء مدیریت و نظارت‌های اجتماعی و عمومی به محیط‌های ناامن و جاذب جرم مبدل شده‌اند، تأمین کنند.

ماده ۱۲: محیط زیست و توسعه زیرساخت

با این‌که زنان ایرانی مسئول حفظ بقای امور خانه و جامعه هستند، کمترین دسترسی را به حوزه منابع پایه‌ای توسعه و خدمات ضروری برای تأمین یک زندگی سالم و پر ثمر دارند. به‌ویژه زنان روستایی و ساکن مناطق محروم و عشایر از منابع حیاتی نظیر آب سالم، محروم‌اند. تخریب تدریجی محیط زیست طبیعی، فرسایش خاک، قطع درختان جنگلی، آلودگی آب، خاک، هوا و منابع طبیعی، نه تنها باعث تخریب زیر ساخت‌های زندگی سالم، بلکه باعث افزایش مسئولیت‌های کاری زنان می‌شود.

برای جلوگیری از این وضعیت اقدامات زیر ضروری است:

۱. ذخیره آب سالم و امکانات بهینه‌سازی منابع آب در مناطق محروم و کم آب به‌ویژه در مناطق عشایری باید در دسترس زنان قرار گیرد.

۲. ارتباطات، منابع انرژی و منابع اطلاعاتی و دیجیتالی باید به‌طور برابر در دسترس زنان قرار گیرد و تبعیض‌های موجود در دسترسی زنان به این منابع از میان برداشته شود.

۳. دولت و بانک‌ها باید برای تهیه مسکن مناسب برای زنان سرپرست خانوار وام‌های ویژه و با یارانه در نظر گیرند.

۴. زنان باید دارای حق برابر در دسترسی به زمین زراعی و امنیت در تصدی و اجاره باشند، از جمله زنانی که در مناطقی که قوانین عرفی زمین در آنجا حاکم است، باید مورد حمایت ویژه قرار گیرند.

۵. دولت باید از محیط‌زیست و منابع طبیعی در جهت بهره‌وری نسل‌های آینده حفاظت به عمل آورد.

۶. دولت و رسانه‌ها و نهادهای مدنی و بخش خصوصی باید بر بهینه‌سازی الگوی مصرف، جلوگیری از مصرف ناسالم و غیربهداشتی، و تغذیه متناسب با بهداشت زیست محیط و سلامت خانواده برنامه‌ریزی کنند.

ماده ۱۳: رسانه‌های جمعی و فرهنگ و هنر

تسلط مناسبات پدرسالار بر رسانه‌های جمعی در ایران آنها را به ابزاری مؤثر جهت اقتدار مردان، باز تولید کلیشه‌های جنسیتی و افزایش نابرابری و تبعیض علیه زنان بدل ساخته است. زنان از مدیریت کلیدی رسانه‌ها محروم‌اند. همچنین دسترسی نابرابر به اطلاعات سبب شده که زنان در رسانه‌های جمعی به حاشیه رانده شوند. تصویری که رسانه‌ها از زنان ارایه می‌کنند، با اصل برابری زن مغایرت داشته و باعث تقویت کلیشه‌های جنسیتی می‌شود. سانسور در رسانه‌های زنان بیش از سایرین است. بسیاری از نشریات مربوط به زنان مورد سانسور و تعطیلی واقع شده‌اند و از انتشار کتاب‌های مرتبط با مسائل زنان جلوگیری می‌شود. با وجود رشد فزاینده استفاده زنان از اینترنت و فضای مجازی، سایت‌ها و وبلاگ‌های آنان به‌طور روز افزون در معرض سانسور و مسدود شدن قرار دارند. آثار سینماگران زن و ادبیات مربوط به مسائل زنان در معرض ممیزی جنسیتی قرار دارد. حضور هنرمندان زن در عرصه موسیقی، تئاتر و سینما با محدودیت و سانسور مواجه است.

برای بهبود این وضع اجرای اقدامات زیر ضروری است:

۱. رفع تبعیض از زنان و ترویج اصل برابری باید در دستور کار رسانه‌های گروهی قرار گیرد.
۲. از نقش‌ها و الگوهای جنسیتی که توسط رسانه‌ها و در قالب محصولات فرهنگی ارایه می‌شود باید کلیشه زدایی شود.
۳. مکانیسم نظارتی از سوی نمایندگان و ناظران نهادهای مدنی و سایر دستگاه‌ها برای کنترل جنسیتی کلیه رسانه‌ها در جهت رفع تبعیض و کلیشه‌زدایی جنسیتی از آنها باید ایجاد شود.
۴. زنان باید بتوانند از دسترسی برابر به تمامی رسانه‌های جمعی و مؤسسات رسانه‌ای برخوردار باشند و بتوانند از مناصب مدیریتی هم‌پای مردان برخوردار شوند.

۵. نهادهای مختلف حکومتی باید موانع انتشار و اشاعه آثار زنان و مطالعات جنسیتی که از طریق انواع ممیزی، مجوز نشر یا هر نوع قانون یا رویه بازدارنده دیگر اعمال می‌شود را غیرقانونی و منسوخ کنند.

۶. دولت باید تسهیلات مالی و حمایتی ویژه برای انتشار نشریات و کتاب‌های زنان فراهم کند.

۷. ناشران و روزنامه‌نگاران زن باید تشویق شوند و امتیاز نشریات سراسری و محلی مخصوص جهت اطلاع‌رسانی اخبار ویژه و مرتبط با مسائل صنفی، حقوقی، علمی و آموزشی زنان باید در اختیار آنها قرار گیرد.

۸. فعالیت سایت‌ها و وبلاگ‌های زنان باید بلامانع باشد.

۹. محدودیت آموزش موسیقی به زنان و موانع فعالیت زنان در عرصه موسیقی کشور ملغی شود.

۱۰. تولید و پخش برنامه‌های رادیویی و سریال‌های تلویزیونی‌ای که فرهنگ مردسالار و خانه‌نشینی زنان را ترویج می‌کنند، و موجب تقویت کلیشه‌های جنسیتی، رواج چند همسری، و تقویت فرودستی زنان می‌شوند، باید ممنوع شوند.

۱۱. رسانه‌ها و مراکز آموزش و مشاوره باید رویکرد برابری‌طلبانه و مقابله با مردسالاری داشته باشند. آموزش مردان برای برخورداری از مهارت‌های زندگی و تربیت فرزندان باید در دستور کار رسانه‌ها قرار گیرد.

۱۲. محدودیت‌های تصویری هنرمندان زن به دلیل پوشش، برخوردهای سلیقه‌ای با مضامین فیلم‌نامه‌ها و جلوگیری از پخش فیلم‌های سینمایی و تولیدات هنری با نگرش حفظ و تقویت ارزش‌های مردسالارانه باید ملغی شود.

ماده ۱۴: اقلیت‌های قومی، نژادی، و مذهبی

زنان در اقلیت‌های قومی، مذهبی و نژادی و زنان مهاجر به‌ویژه زنان افغان در مقایسه با زنان در سایر گروه‌های اجتماعی از تبعیض‌های مضاعف قانونی و عرفی رنج می‌برند و در معرض آسیب‌های اجتماعی ناشی از شکاف‌های طبقاتی، قومیتی، و جنسیتی بیشتری قرار دارند. این شکاف‌ها سبب شده تا زنان در اقلیت‌های نژادی، مذهبی و قومی در معرض خشونت بیشتر و حمایت‌های قانونی کمتر قرار داشته باشند. علاوه بر مواردی که در مواد پیشین برای رفع تبعیض و نابرابری از زنان اقلیت در این سند مندرج شده است.

لازم است برای رفع تبعیض مضاعف از زنان در اقلیت‌های قومی، مذهبی و نژادی، تدابیر زیر به‌طور خاص اتخاذ شود:

۱. قانون باید کلیه تبعیض‌های ناشی از تفاوت‌های نژادی، قومی و مذهبی و ملیتی را از میان بردارد.

۲. رویه‌ها و سیاست‌های تبعیض‌آمیز علیه زنان متعلق به قومیت‌ها، اقلیت‌های دینی و نژادی در استخدام، اشتغال، مشارکت سیاسی و اجتماعی، رسیدگی به دعاوی، برخورداری از فرصت‌های تحصیلی و اقتصادی باید ملغی شوند.

۳. زنان متعلق به اقلیت‌های قومی و مذهبی باید از کلیه حقوق برابر با زنان و مردان مسلمان برخوردار باشند و در معرض هیچ نوع تبعیض شهروندی قرار نگیرند. آنها باید از حق ورود به کلیه فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی و مدنی و احراز مسئولیت‌های کلیدی برخوردار باشند.

۴. حکومت، نهادهای مدنی و رسانه‌ها موظف‌اند برای مقابله با فرهنگ ستیزه‌جو میان اقلیت‌های قومی و مذهبی که منجر به بهبود وضعیت زنان در همه اقصا می‌شود، اقدامات پیشگیرانه متناسب با موازین حقوق انسانی به عمل آورند.